

طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده‌پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی*

نادرقلی قورچیان^۱ - محمد صالحی^۲

چکیده

عصر فرا مدرنیسم و وجود دانشگاه‌های دیجیتالی و مجازی، آموزش عالی را با چالش‌ها و پدیده‌های جدیدی روبه‌رو کرده است که می‌توان با مقوله آینده‌پژوهی با این چالش‌ها مقابله کرد. آینده‌پژوهی تفکری برای عمل علیه اعتقاد به سرنوشت است و تصدیق می‌کند که آینده دلیل بودن حال و چند بعدی و نامعلوم است و باید توجه داشت که آینده را باید بنا، خلق و ایجاد کرد. این پژوهش با هدف طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده‌پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی به کنکاش و کالبد شکافی آن پرداخته است. در راستای این هدف و با مروری بر ادبیات ایران و جهان مؤلفه‌های اصلی آینده‌پژوهی استخراج و مدل پیشنهادی با پنج مؤلفه (فلسفه مدل، اهداف، مبانی نظری، مراحل اجرایی، نظام ارزیابی و مهندسی مجدد) تدوین گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خلق محیط‌های جدید، برنامه‌های

*- این مقاله برگرفته از رساله دکتری می‌باشد.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

۲- دانش‌آموخته دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

درازمدت و نهادینه کردن آینده پژوهی در آموزش عالی کشور ضروری است و باید بسترسازی صورت گیرد. لذا میزان اعتبار (درجه تناسب) مدل پیشنهادی از نظر رؤسای دانشگاه، معاونان، مدیران گروه و اعضای هیأت علمی ۸۷/۲۵ درصد تأیید شد و کاربست مدل در حد ۹۰ درصد توصیه گردید که جای اصلاح و تکمیل دارد و در پایان پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی برای اجرای مدل در کشور ارائه گردید. کلید واژه‌ها: آینده پژوهی، برنامه‌های استراتژیک، فناوری اطلاعات، چشم‌انداز آینده.

مقدمه

قرن بیستم در تاریخ حیات بشر، قرنی ممتاز و ویژه با امتیازات منحصر به فرد در میان اعصار و قرون گذشته است که با نگرش عمیق از سکوی بلند این قرن به قرون گذشته می‌توان شکوفایی همه‌جانبه بشر را به وضوح مشاهده کرد.

روند تحولات در قرن بیستم در دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد مرحله جدیدی شده و در اواسط دهه ۱۹۸۰ تقریباً در تمامی زمینه‌ها نشان خود را بر جای گذاشته است. در دهه ۱۹۸۰ برای رجوع به این دگرگونی‌ها مفاهیمی چون جامعه فراصنعتی و فرامدرن (پست مدرن) به کار می‌رفت. اگر ویژگی دهه ۱۹۸۰ رویکرد به کیفیت و دهه ۱۹۹۰ دوران مهندسی مجدد و دهه ۲۰۰۰ دوران شتاب بوده است، دهه اول هزاره سوم و سال ۲۰۰۳ را باید دوران دیجیتالی و مجازی دانست.

با پایان یافتن دومین هزاره مسیحی و ورود به هزاره سوم و تحولات اخیر دنیا، کشورهای صنعتی و نیز کشورهای در حال رشد را به تأمل و بازنگری در نظام آموزش عالی^۱ واداشته است.

در دو دهه اخیر آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده جوامع پیشرفته و حتی کشورهای در حال توسعه نقش بسیار مهم و حیاتی در رشد و توسعه علوم، فناوری اطلاعات و ارتباطات شبکه اینترنت ایفا نموده است. در آستانه قرن بیست و یکم که جهان به سمت محوری شدن دانش پیش می‌رود و نیاز به

متخصصان و مدیران آشنا به علوم پیشرفته بیش از پیش احساس می‌شود، آموزش عالی نیز مسؤلیت سنگینی را در قبال اجتماع و جامعه جهانی بر دوش خود احساس می‌کند. به همین منظور آینده‌جوامع تا حدود زیادی به آینده‌مؤسسات آموزشی و نهادهای متعالی دانش وابسته است و آینده‌نهادهای مختلف نیز در دانشگاهها ترسیم می‌گردد. توسعه منابع نیروی انسانی مورد نیاز جامعه شامل تربیت دانشمندان، متخصصان، مدیران و مریبان و... تولید دانش از طریق پژوهش، کمک به انتقال و تطبیق علوم و فناوری ارائه خدمات علمی، فنی و مشاوره‌ای به دولت و سایر بخش‌های جامعه، ارتقای دانش و فرهنگ عمومی جامعه و همچنین مشارکت در تحولات جامعه جهانی، از رسالت‌های حساس آموزش عالی به حساب می‌آیند.

امروزه در ادبیات توسعه التزام اجتماعی آموزش عالی ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. به‌عنوان مثال نیاز جامعه به آموزش و کسب مهارت و بازآموزی مستمر و مادام‌العمر و همچنین نیاز جامعه به دانش‌آموختگانی با ظرفیت فکری و خلاقیت بالا که بتوانند به‌طور مستمر اطلاعات خود را به‌روز کنند و مهارت‌های جدیدی را فراگیرند و در دنیای متحول بازار کار، کارآفرینی نمایند بیش از پیش احساس می‌شود.

در این میان نظام آموزش عالی در ایران با توجه به وضعیت خاص محیطی خود شامل؛ وجود سوابق و میراث درخشان علمی و فرهنگی در دوران اسلامی، وجود منابع غنی نیروی انسانی و استعدادهای درخشان، موقعیت خاص ژئوپولیتیک فرهنگی و عقیدتی در منطقه، سیطره زبان فارسی در بسیاری از کشورهای همجوار انتظارات جامعه اسلامی از نظام آموزش عالی، رسالت‌های سنگینی را در ساختن ایران برای آینده به عهده خواهد داشت. لذا شناسایی آینده و آینده‌شناسی امری ضروری به حساب می‌آید.

آینده‌شناسی در ایران هنوز علمی ناشناخته است. اگر چه برخی ایجاد پژوهشکده آینده‌شناسی و پیش‌بینی فناوری را ضروری می‌دانند، ولی به نظر می‌رسد بهتر باشد به جای ایجاد نهادها و تشکیلات جدید، از دانشگاهها و مراکز پژوهشی متعدد وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، انجمن‌های علمی و به‌ویژه فرهنگستان‌ها خواسته شود، بخشی از فعالیت خود را به‌صورت مستمر به مطالعات آینده‌شناسی در زمینه‌های تخصصی مربوط اختصاص دهند. این امر علاوه بر استفاده

بهینه از امکانات موجود و احتراز از تشکیلات جدید موجب می‌شود فرهنگ آینده‌شناسی در سطح گسترده‌تری گسترش یابد. شورای پژوهش‌های علمی کشور با ایجاد دفتر یا دبیرخانه‌ای به همین منظور، پژوهش‌های آینده‌شناسی را حمایت و هدایت می‌کند (تقوی گیلانی و غفرانی، ۱۳۷۹، ص ۷۳).

بیان مسأله

به‌راستی در این پیام اساسی که: «آنچه باعث جذابیت آینده می‌شود آن است که هیچ کس آن را به خاطر نمی‌آورد»، در حقیقت پاسخ این است که می‌توان به مدد علم آن را به خاطر آورد. ورود به هزاره سوم همراه با تنوع نقش‌ها در آموزش عالی، آموزش با کیفیت، وجود نخبگان و ابرنخبگان جامعه، تنوع نیازها، مهارت نیروی کار، افزایش تقاضا، محدود بودن منابع، رقابت فزاینده، برقراری مساوات، همکاری و رقابت اقتصادی، دنیای متغیر و جهانی شدن، پاسخگویی آنی و سریع دانشگاهها را طلب می‌کند.

دانشگاهها به‌عنوان نیروی محرکه آگاهی‌بخش و برج فرماندهی فکر جوامع شناخته شدند. بدین ترتیب رسالت دانشگاهها فراسوی علم و پژوهش صرف درون‌دانشگاهی، در جهت خدمت به جامعه سوق داده شده و نقش دانشگاهها از تک‌نقشی و تک‌نهادی به چند نقشی و چند نهادی یعنی نقش آموزشی، پژوهشی، خدماتی، انتشاراتی و رشد حرفه‌ای تکامل یافته است (قورچیان و خورشیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

دانشگاهها همچون سایر مؤسسات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای رویارویی منطقی و عقلایی با چالش‌ها به‌عنوان مغزی متفکر، مسؤل شناسایی و درک پیچیدگی‌ها، تعیین ساز و کارهای آینده‌پژوهی و شناخت دقیق نیازهای جامعه هستند.

با توجه به تحولات مشترک جهان و رسالت نوین دانشگاهها، علاوه بر افزایش تقاضا برای آموزش عالی و مسأله جهانی شدن اقتصاد و ایجاد رقابتهای شدید بین دانشگاهها در سطح جهان و تأسیس دانشکده‌های مختلف از طرف ایالات متحده و اروپا در کشورهای آسیایی، تغییر و اصلاح در همه دانشگاههای جهان، چه پیشرفته و چه در حال پیشرفت، ضرورت پیدا کرده است. بدین ترتیب دانشگاهها هر چه سریعتر باید پاسخگوی نیازهای جامعه در بُعد کمی و کیفی باشند. در این راستا مراکز آموزش

عالی در دنیا با دیدگاهی استراتژیک وضعیت موجود خود را مورد بررسی دقیق قرار می دهند و با ترسیم بصیرت ها و رسالت ها براساس قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و نگرانی ها اهداف خود را تعیین می کنند تا در قالب برنامه های عملیاتی مرتبط به وظایف خود به نحوی مؤثرتر پردازند.

دانشگاه آزاد اسلامی ایران همچون سایر مراکز آموزشی طی سالها فعالیت و تلاش مداوم سعی کرده تا امکاناتی برای دسترسی افراد بیشتر به آموزش عالی در سراسر کشور فراهم آورد، اما آنچه مهم است و باید به آن توجه کرد حفظ کیفیت در کنار کمیت است. به همین منظور آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی نیز باید مورد توجه دقیق قرار گیرد.

در وضعیت کنونی جهان که تغییرات در همه زمینه های علمی، فناوری، اقتصاد، مدیریت و... به سرعت انجام می شود، آینده نگری و قدرت پیش بینی وضعیت آینده اهمیت بسیاری دارد و سازماندهی فعالیتهای علمی برای پیش بینی آینده ضرورتی انکارناپذیر است. در تحقیقات استراتژیک و بلندمدت که سرمایه گذاری های وسیعتری را می طلبد، آینده نگری باید در همه زمینه ها صورت گیرد (مکتون، ۱۳۷۶، ص ۸).

آینده نگری و آینده پژوهی نه پیش بینی است و نه آینده شناسی، بلکه تفکری برای عمل علیه اعتقاد به سرنوشت است. آینده نگری تصدیق می کند که آینده دلیل بودن حال است که چندانکه نامعلوم است. باید توجه داشت که آینده در هیچ جا نوشته نشده است. آینده را باید بنا، خلق و ایجاد کرد. اگر آینده معلوم و قابل پیش بینی بود، زندگی مفهوم اصلی خود را از دست می داد. نگرش آینده پژوهی در اساس نشان دادن انتخابهای حال در سایه آینده ممکن است. در حقیقت از طریق آینده پژوهی و انتظارات جدید ایجاد شده امید به زندگی افزایش می یابد و در صورت همخوانی نداشتن برنامه های تدوین شده با اجرا مشخص می شود.

لذا برای پاسخگویی به این مسائل دانشگاهها باید در زمینه برنامه های آینده پژوهی و برنامه های استراتژیک مطالعه و پژوهش کنند و به تدوین برنامه های بلندمدت پردازند تا خلأ کمبود یک مدل خوب برای نهادینه کردن آینده پژوهی در دانشگاه، که ساخت و سازهایی را برای خلق محیط های جدید می طلبد، تعیین و تدوین کنند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

کلام پر مغز پرفسور بلوندل^۱ که می‌گوید: «آینده را نمی‌توان پیش‌بینی کرد باید آن را آماده ساخت» بیانگر یک حقیقت راهگشا در نظام آموزش عالی جهان است. این پیام حاکی از دارا بودن نقشه و خلق آینده است، اما این مهم چگونه تحقق می‌پذیرد؟ باید پذیرفت که جدا از میل فطری انسان به آگاهی از آینده، نگرانیهای بشر در زمینه روبرویی با آینده‌ای نامعلوم و متحول و به‌ویژه در عصر انقلاب فناوری اطلاعات، ضرورت شناخت آینده را ایجاب نموده است. تعیین چشم‌اندازهای آینده و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت از آن جهت که به پیش‌بینی حوادث و اتفاقات کمک می‌کند و بهره‌برداری درست و بهینه از منابع و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد، امری مهم و ضروری است. چنانکه گفته‌اند برای کشتیبانی که نمی‌داند به کجا می‌رود، هیچ بادی مساعد نیست و برای کشوری که مسیر و چشم‌اندازی برای آینده خود ترسیم نکرده است، هیچ وضعیتی نه مناسب به نظر خواهد رسید و نه نامناسب (مردودخی، ۱۳۷۵، پیشگفتار).

آینده‌نگری به دیرینگی خودآگاهی تاریخ آدمی است. از آن زمان که آدمی به هستی تاریخ‌مند و سپس تاریخ‌مندی هستی خویش اندکی آگاهی یافت، پیش‌بینی و نیز پیشگویی رویدادهای گوناگون آینده به‌ویژه رویدادهای طبیعی و سیاسی - اجتماعی از اهمیتی گاه سرنوشت‌ساز برخوردار شد.

آینده‌نگری نیازمند آینده‌شناسی است و آینده‌شناسی با اتکای بر پیش‌فرض‌هایی در خصوص وجود گونه‌ای ارتباط و توالی میان رویدادها نیازمند آینده‌پژوهی است.

آینده‌شناس بر آن است تا آینده وضعیت یک جزء یا یک نظام کوچک یا بزرگ اجتماعی یا طبیعی را بشناسد. با وجود دیدگاهها و تبیین‌های گوناگون در خصوص آینده‌نگری و آینده‌شناسی، علاقه آدمی به آینده متن مشترک همه آینده‌شناسی‌ها را تشکیل داده است. آدمی همواره به دنبال یافتن روشهای نظام‌مند و قانونمند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به‌ویژه در ارتباط با پدیده‌های جوی و دیگر پدیده‌های طبیعی

و همچنین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود بر پیش فرض وجود نظم ویژه در سیر رویدادها استوار بوده است.

اغراق نیست اگر بگوییم آینده‌شناسی تاکنون بیشتر یک جنبش اجتماعی بوده تا یک علم اجتماعی. اما بی‌گمان روزی به صورت یک علم اجتماعی بهره‌گیر از علوم دیگر، با همه عدم قطعیت‌هایی که چنین علمی به خودی خود و با ارث بردن از علوم دیگر خواهد داشت، در می‌آید. در برنامه‌ریزی‌ها و به خصوص برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت، آینده‌نگری و قدرت پیش‌بینی وضعیت آینده اهمیت بسیاری دارد. در وضعیت کنونی جهان که تغییرات در همه زمینه‌های علوم، فناوری، اقتصاد، مدیریت و... به سرعت انجام می‌شود، سازماندهی فعالیت‌های علمی برای پیش‌بینی آینده ضرورتی انکارناپذیر است. آینده‌نگری راهی برای تفریح و گذران وقت نیست، بلکه یکی از مهمترین مسائل عرصه علم و دانش پژوهی به شمار می‌آید.

از این رو ایجاد مراکز کارآمد مطالعات آینده‌شناسی در هر کشور از ضروریات بسیار مبرم به حساب می‌آید. می‌توان برای چنین مرکزی حتی طرح یک پژوهشگاه جدی و دانشگاه را در نظر گرفت تا با تسلط بر آینده و تبیین علمی روش‌شناسی مطلوب بتواند در آینده پژوهی‌های خود به آینده‌شناسی علمی و سپس به عرضه توصیه‌ها، رهنمودها و برنامه‌های درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت و نیز ایجاد زمینه برای آینده‌سازی مطلوب، دست یابد. بی‌گمان چنین وظیفه عظیمی بیش از توان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا مراکز مطالعات استراتژیک یا هیأت دولت است. پژوهشگاه یا دانشگاهی لازم است تا با دانش گوناگون مرتبط با آینده و تدوین روش‌شناسی لازم، آینده‌پژوهی منظم را وظیفه اصلی و دایمی خود، دور از گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه بداند. حتی هر مرکز فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فن‌شناختی مهم و مؤثر در سرنوشت کشور می‌تواند یک بخش مطالعات استراتژیک و بررسی‌ها و تحلیل‌های آینده‌شناختی داشته باشد.

مروری بر متون و پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ملی در زمینه آینده‌نگری صورت گرفته است. بر این مبنای تجربه برنامه اول و تدوین برنامه دوم، دولت را به این فکر انداخت که بدون داشتن خطوط راهنمای آینده

نمی‌توان حرف جدی برای گفتن و عمل مهمی برای انجام دادن داشت. لذا از سال ۱۳۷۵ زمره‌های نخستین آینده‌نگری و تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ به گوش رسید و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سوی دولت متولی دو برنامه مهم شد.

الف - طراحی چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۰

ب - طراحی برنامه و چشم‌انداز اقتصاد بدون نفت

طرح ایران ۱۴۰۰ با تفکر احیای تمدن اسلامی در طول برنامه بلندمدت ۲۵ ساله مورد توجه سازمانها و دستگاههای اجرایی کشور قرار گرفت و چارچوب اساسی حرکت ملی توسعه را پی افکند. آنچه در برنامه ایران ۱۴۰۰ به مثابه خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلی مدنظر قرار گرفت، اصلاح ساختارها و سازوکارها و ایجاد بستر مناسب برای نیل به تکامل انسانی و رشد و توسعه پایدار و حصول خوداتکایی و قطع وابستگی به نفت همراه با توزیع عادلانه ثروت و درآمد است. این نگرش فصل جدید و نقطه عطفی در برنامه‌ریزی کشور است که می‌تواند جامعه را به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متحول کند. به همین منظور سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برحسب مسؤولیتی که به آن محول شده است، تمامی بخش‌ها و مدیریت‌های خود را به تلاش جمعی در این زمینه بسیج کرده است (صالح‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱).

بررسی پیشینه پژوهش در جهان نشان می‌دهد که مطالعات منسجم آینده‌پژوهی از دهه سوم قرن ۲۰ آغاز شده است که در اینجا به آن اشاره می‌شود. نخستین بررسی روشمند در زمینه آینده‌نگری را کمیته منابع طبیعی ایالات متحده در سال ۱۹۳۲ انجام داد و گزارش آن را تحت عنوان «روندهای تکنولوژیک و اقتصاد ملی» در سال ۱۹۳۷ منتشر کرد.

رویکرد فرانسه در زمینه برنامه‌ریزی درازمدت از سال ۱۹۶۴ آغاز شد و قدمتی ۳۰ ساله دارد. امروزه نتایج پیش‌بینی فناوری در راهبردهای توسعه و دیگر فعالیتهای برنامه‌ریزی موفقیت‌آمیز است. به‌عنوان نمونه هنگام تهیه برنامه پنجم فرانسه (۱۹۷۰ - ۱۹۶۶) برای آنکه گرایشهای برنامه در چشم‌انداز دورتر و جهانی‌تر جای بگیرد، با توجه به اهمیت فزاینده صنایع اطلاع‌رسانی و خدمات، جهانی شدن اقتصاد فرانسه و اهمیت روزافزون گذران اوقات فراغت (اوایل دهه ۱۹۶۰) گروهی برای تفکر درباره آینده بلندمدت فراخوانده شدند.

طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده‌پژوهی در ... / ۹

در سال ۱۹۶۹ در کشور هلند کمیته ۲۰۰۰ تأسیس شد. این کمیته که از طریق وزارتخانه‌ها هدایت می‌شد، مطالعاتی درباره آینده در زمینه موضوعات خاص انجام می‌دهد.

کشور دانمارک در زمینه پژوهش‌های آینده نظام پیشرفته‌ای دارد که متشکل از افرادی از دولت و صنعت و انجمن‌های علمی و دانشگاهی درباره پژوهش‌های آینده است و از سال ۱۹۷۰ شکل گرفته است.

در کشور سوئد هم دولت دبیرخانه‌ای را در سال ۱۹۷۳ افتتاح کرد که به مطالعه آینده می‌پردازد.

کشور انگلستان در تلاش ملی برای تعیین اولویت‌های علمی و فناوری برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده را از طریق آرای ده هزار کارشناس و متخصص با استفاده از روش دلفی و برگزاری جلسات نظرسنجی جویا شد و از نتایج این نظرسنجی برای سرمایه‌گذاری گسترده (۱۰۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵) درباره اولویت‌ها استفاده کرد.

انجمن آینده‌شناسی ژاپن (JFA)^۱ در سال ۱۹۸۶ تأسیس شد. این انجمن به بررسی آینده‌نگری در زمینه‌های فناوری، اقتصاد، علوم پزشکی، محیط و آموزش به شیوه منطقی و روش‌مند پرداخته است.

کشورهایی مانند چین، کره، سنگاپور و غیره با اراده‌ای مصمم و همتی بلند برای مشارکت و بقای خود در صحنه‌های بین‌المللی دست به کار آینده‌نگری شده‌اند. در کشور تایلند مؤسسه پژوهش توسعه تایلند به برنامه ۲۰۱۰ پرداخته است که از حمایت و پیوندهای دولتی محکمی برخوردار است. این برنامه به اهداف و برنامه‌های درازمدت به رهبری اسنواوناکول^۲ دبیر کل هیأت توسعه اجتماعی و اقتصادی ملی از پشتوانه قوی دولتی و عملیات پرهزینه با کارکنان زیاد و منابع کافی برخوردار بوده است.

کشور مالزی به برنامه درازمدت سال ۲۰۲۰ پرداخته که هدف آن رساندن کشور مالزی به سطح کشوری توسعه یافته از همه جوانب است. این توسعه نه به معنای این است که مالزی راه کشورهای توسعه یافته کنونی را دنبال کند و نه به مفهوم توسعه صرفاً

1- Japan's Futurology Association (JFA)

2- Snowonacol

اقتصادی است، بلکه برنامه ۲۰۲۰ مالزی چیرگی بر ۹ چالش راهبردی (بلندمدت) را به طور اساسی دنبال می‌کند.

فعالیت‌های یونسکو^۱ در زمینه آینده‌پژوهی: نگرش آینده‌نگرانه یونسکو در مسیر دوگانه‌ای پیش رفته است؛ از یک طرف احیاگر سنتی در گذشته است که راهی را برای ارائه گزارش‌هایی که کماکان مشهود هستند باز می‌نماید، از قبیل گزارش ادگارد فوره^۲ در مورد آموزش و سن مک براید^۳ در مورد ارتباطات. در همین ارتباط، یونسکو طی سالهای گذشته سه گروه مهم را تشکیل داده است که در نظر دارند به احیای تفکر در جامعه بین‌المللی بپردازند. مجمع اندیشمندان شورای اجرایی، کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه به ریاست خاویر پرزدکوئیاری^۴ و کمیسیون بین‌المللی آموزش برای قرن بیست و یکم به ریاست ژاک دلور^۵. از سوی دیگر از سال ۱۹۸۴ یونسکو برنامه‌ای در دست اجرا دارد که به طور مشخص به بحث درباره سؤالات آینده‌نگر اختصاص یافته است. عنوان این برنامه در ابتدا، تأملاتی در خصوص مشکلات جهانی و مطالعات آینده بود. سپس از سال ۱۹۹۰ عنوان آن به «مطالعات آینده» تغییر یافت. این برنامه سه هدف مشخص دارد: کارکرد اول آن ایفای نقش به‌عنوان یک مرکز نظارت برای کشف و ایجاد شناخت گسترده‌تر در مورد پیامد رویدادهای مؤثر در آینده است. در این برنامه توجه بر روی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیست فناوری متمرکز شده است. دومین هدف، تشکیل یک مرکز برای مبادله اطلاعات، جمع‌آوری و انتشار مطالعات آینده‌نگر است که در بخش‌های مختلف جهان انجام می‌شود. این مرکز بر پایه توسعه یک پایگاه اطلاعاتی کتاب‌شناسی کامپیوتری که فیوچرسکو^۶ نامیده شده و نیز انتشار یک بولتن ششماهه از اطلاعات کتاب‌شناسی که طرح آینده یونسکو عنوان شده، تشکیل گردیده است. این مرکز با حمایت ۴ سازمان غیردولتی متخصص در مطالعات آینده (جامعه آینده جهانی، فدراسیون جهانی مطالعات آینده، کتابخانه بین‌المللی مطالعات آینده و پژوهش‌های آینده‌نگر بین‌المللی) بنیانگذاری شده که به تدریج سازمانهای دیگری از جمله کمیسیون‌های ملی یونسکو متشکل از دولتهای عضو

1- United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2- Edgard Fore

3- San Mak Bride

4- Khavier Prezdekoeyar

5- Jak Delor

6- Futuresco

سازمان علمی - فرهنگی یونسکو به آن پیوستند. سرانجام سومین هدف برنامه بالا بردن انتشار روشها و نتایج مطالعات آینده از طریق آموزش، تعلیم و انتشار کتابهای راهنما و مواد آموزشی است (ماسینی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲).

سوالات پژوهش

- ۱- مؤلفه‌های اصلی آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟
- ۲- چه مدلی را می‌توان برای نهادینه کردن آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی کشور ارائه داد؟
- ۳- اعتبار (درجه تناسب) مدل پیشنهادی با اهداف آینده پژوهی دانشگاهها از نظر مدیران (رؤسای دانشگاه، معاونان، مدیران گروه) و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کشور چقدر است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، ماهیت موضوع مورد بررسی، دستیابی به جامعه آماری و زیرگروههای آن، شیوه انتخاب نمونه، ابزار و نحوه گردآوری اطلاعات بررسی گردید و روش آن توصیفی از نوع زمینه‌یابی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی رؤسای واحدها، معاونان آنان، مدیران گروههای آموزشی و اعضای هیأت علمی تمام وقت است که با داشتن حکم رسمی در واحدهای دانشگاه آزاد سراسر کشور به خدمت اشتغال دارند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول
$$n = \frac{P(1-P)Z^2}{d^2}$$
 استفاده شده است (شریفی ۱۳۸۰، ص ۶۲).

در این فرمول $Z = 1/96$ و با ضریب اطمینان ۹۵٪ و d نیز برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. لذا حجم نمونه برابر ۴۰۰ نفر بوده است که از هر واحد انتخاب شده، رئیس و معاونان آن نمونه تلقی شده است و از هر واحد بین ۴ تا ۶ مدیر گروه و ۷ تا ۱۰ عضو هیأت علمی به طور تصادفی انتخاب شده است. در ضمن به میزان ۱۰٪ نسبت ریزش در نظر گرفته شده است، که با ارسال پرسشنامه‌ها و عودت آنها پس از کسر موارد ناقص، تعداد ۴۰۷ پرسشنامه در استخراج اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری به روش تصادفی چند مرحله‌ای بوده است. این پژوهش با پرسشنامه ۲۵ سؤالی به روش

لیکرت با طیف ۵ گزینه‌ای طراحی شده است. این پرسشنامه از ۵ قسمت، شامل فلسفه مدل ۴ سؤال، هدف مدل ۷ سؤال، مبانی نظری ۵ سؤال، مراحل اجرایی ۶ سؤال و نظام ارزیابی ۳ سؤال، تشکیل شده است. روایی این پرسشنامه را استاد راهنما و مشاور و کارشناسان مورد تأیید قرار دادند. اعتبار این پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمده است. اجرای این پژوهش، ابتدا مناطق دهگانه دانشگاه آزاد اسلامی کشور بوده که از طریق نقشه کشور شناسایی شده است. بر مبنای مناطق نام واحدهای دانشگاهی هر منطقه مشخص شده، سپس برحسب وسعت هر منطقه و با توجه به تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری و با هماهنگی مسئولان و کسب موافقت لازم از آنان، پرسشنامه توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید. داده‌های استخراج شده از پرسشنامه از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی که شامل فراوانی، درصد، میانگین، ضریب همبستگی و ضریب تعیین، آزمون آماری غیرپارامتریک کروسکال والیس به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در خصوص سؤال یک «مؤلفه‌های اصلی آینده‌پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی کدام‌اند؟» یافته‌های پژوهش نشان داده که مؤلفه‌های اصلی آینده‌پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی عبارت‌اند از:

- فلسفه جهت‌دهی و پاسخگویی، خلق آینده و نیازهای جدید

- آماده‌سازی و آموزش برای آینده

- کشف روند جریان‌ات گذشته تاکنون، تعیین و تبیین اهداف آینده و خط سیر نیل به آنها

در آموزش عالی

- میزان انطباق برنامه‌های تدوین شده و اجرای آن در آینده

- پاسخگویی واحدهای دانشگاهی نسبت به چگونگی استفاده از منابع انسانی، مادی،

مالی و اطلاعاتی

- استفاده از تجارب و ظرفیت‌های موجود با نگرش مشارکت‌جویانه

- حمایت از برنامه‌های بلندمدت و رفع نقایص آنها و بهبود بخشیدن به فرایندهای آن

- اطمینان از کیفیت و ارتقای مستمر کیفیت در سطوح مختلف دانشگاه

- پیدا کردن دید روشن از فرصت‌ها و چالش‌های آینده و پیشگیری از وقوع یا تسریع برخی مسائل
- تهیه و تنظیم چشم‌اندازهای آینده و تنظیم امور و اولویت‌بندی مسائل، برنامه‌ریزی بلندمدت برای کسب آمادگی در برابر رویدادهای آینده
- به حداقل رسانیدن عدم قطعیت ناشی از برخورد با رویدادهای آینده و اتخاذ تصمیماتی با ارزش‌تر از هزینه صرف شده برای آنها
- اعتقاد و باور به ارزشهای آینده‌پژوهی در واحدهای دانشگاهی
- پر کردن خلأ آینده‌پژوهی در مؤسسات آموزش عالی
- ایجاد آمادگی و زمینه‌های لازم برای نهادینه کردن آینده‌پژوهی با توجه به ارزش‌ها، ملاکها و معیارها.

- تشویق و حمایت از مؤسسات آموزش عالی برای نهادینه کردن فرهنگ آینده‌پژوهی
- رفع ابهامات و اعلام آمادگی برای نهادینه کردن آینده‌پژوهی
- خلق محیط‌های جدید برای پذیرش آینده‌پژوهی
- اتخاذ تصمیم در مورد واحدهای دانشگاهی
- ارائه گزارش آینده‌پژوهی به گروه‌های مختلف دانشگاه
- پژوهشگر آنگاه مؤلفه‌های اصلی را در پنج گروه به شرح زیر تدوین و مدل نهایی را براساس آنها پیشنهاد کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فلسفه

به‌طور کلی فلسفه این الگو مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای جامعه با اتکای بر مشارکت مردمی، آماده‌سازی و آموزش برای آینده، کشف جریان‌ات گذشته تاکنون، تعیین و تبیین اهداف آینده و باور نسبت به ارزش حاصل از فرایند آینده‌پژوهی در آموزش عالی است.

- ۱- پاسخگویی به نیازهای جامعه و توسعه پایدار با اتکای بر مشارکت مردمی
- ۲- آماده‌سازی و آموزش برای آینده
- ۳- کشف روند جریان‌ات گذشته تاکنون، تعیین و تبیین اهداف آینده و خط سیر نیل به آنها در آموزش عالی
- ۴- باور و اعتقاد نسبت به بار ارزشی حاصل از فرایند آینده‌پژوهی.

هدف

اهداف اصلی این الگو عبارت‌اند از:

- ۱- سنجش میزان انطباق برنامه‌های تدوین شده و اجرای آن در آینده
- ۲- پاسخگویی واحدهای دانشگاهی نسبت به چگونگی استفاده از نیروی انسانی، مادی، مالی و اطلاعاتی
- ۳- استفاده از تجارب و ظرفیت‌های موجود با نگرش مشارکت‌جویانه برای رسیدن به خوداتکایی
- ۴- تهیه و تنظیم چشم‌انداز آینده و تنظیم امور و اولویت‌بندی مسائل و برنامه‌ریزی بلندمدت در برابر رویدادهای آینده
- ۵- به حداقل رسانیدن عدم قطعیت ناشی از برخورد با رویدادهای آینده و اتخاذ تصمیمات باارزش در برابر هزینه‌های صرف شده
- ۶- حمایت از برنامه‌های بلندمدت و رفع نقایص آنها و بهبود بخشیدن به فرایندهای آن
- ۷- پیدا کردن دیدی روشن از فرصت‌ها و چالش‌های آینده و پیشگیری از وقوع برخی مسائل

مبانی نظری

مبانی نظری مدل متشکل از تئوری‌های ذیل می‌باشد:

- ۱- مدل تئوری تحول فراسیستم: مفهوم تحول فراسیستم یعنی فرایندی تحول‌زا که به واسطه آن سطوح عالی پیچیدگی و کنترل به وجود می‌آیند. اما از طرف دیگر این مفهوم دیدگاه‌های ما درباره مسائل فلسفی را هم در برمی‌گیرد و آینده محتمل زندگی بشر را پیش‌بینی می‌کند. هدف ما این است که براساس مفاهیم خودکنترلی بتوانیم سیستم فلسفی کامل یا یک نظریه جهانی ارائه دهیم که قادر باشد به بنیادی‌ترین سؤالات درباره خودمان، ارزشهای نهایی و دنیا پاسخ دهد (تورچین، ۱۹۹۷).
- ۲- مدل تئوری سه‌گانه نگرش سیستم دانش آینده: این مدل در حقیقت بیانگر آن است که دانش آینده از سه مؤلفه تأثیر می‌پذیرد که عبارت‌اند از: معناشناسی (ارزش‌گذاری)، نحو (روش‌شناسی) و برنامه عملی (مدیریت و رهبری، برنامه‌های بلندمدت، سیاستها و طراحی برنامه‌ها) (مالاسکا، ۲۰۰۳).

۳- مدل تئوری دانش، اطلاعات و دانش - اطلاعات: این مدل از یک سری باورهای واقعی و غیر واقعی نشأت گرفته و منجر به دسته بندی و یا کدگذاری شده و در نتیجه دانش (ذهنی) شکل می گیرد که متأثر از اطلاعات (عینی) مختلف است (همان).

۴- مدل تئوری پویا دانش - اطلاعات: این مدل اذعان می کند که شکل گیری دانش براساس تغییرات سریع و آنی اطلاعات جدید صورت می گیرد. این دانش در حقیقت از واقعیت های گذشته استفاده می کند با واقعیت های حال انجام می شود و از واقعیت های آینده تأثیر می پذیرد (همان).

۵- مدل تئوری تغییر: این مدل هشت زمینه را اساس تغییر سازمان و مدیریت در نظر می گیرد؛ ایجاد حس ضرورت، تشکیل یک اعتلاف هدایت کننده قوی، خلق یک بصیرت (چشم انداز)، ارتباطات بصیرت، توانمند ساختن دیگران به عمل کردن مطابق بصیرت، طراحی و خلق دستاوردهای کوتاه مدت، تحکیم پیشرفت ها و تولید تغییرات بیشتر، نهادینه کردن رویکردهای جدید (کاتر، ۲۰۰۳).

مدل تئوری تحول فرا سیستم به عنوان ابزار آینده پژوهی در دانشگاه؛ مدل تئوری سه گانه نگرش سیستم دانش آینده به عنوان ابزار پژوهی در دانشگاه؛ مدل دانش، اطلاعات و دانش - اطلاعات به عنوان ابزار آینده پژوهی در دانشگاه؛ مدل پویا دانش - اطلاعات به عنوان ابزار آینده پژوهی در دانشگاه؛ مدل تئوری تغییر به عنوان ابزار آینده پژوهی در دانشگاه است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

مراحل اجرایی

اجرای مدل مستلزم طی کردن مراحل زیر است:

- ۱- تشکیل دفتر مطالعات آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی، ۲- تشکیل مجمع منابع انسانی در زمینه آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی، ۳- برگزاری کارگاه های آموزشی در زمینه آینده پژوهی، ۴- طراحی و تدوین الگوی آینده پژوهی با توجه به مؤلفه های تعیین شده، ۵- تحلیل و تکمیل الگوی آینده پژوهی و ارائه گزارش به سازمان مرکزی، ۶- بازدید دفتر مطالعات آینده پژوهی سازمان مرکزی با استفاده از استانداردها و تدوین گزارش نهایی.

نظام ارزیابی و مهندسی مجدد

برای ارزیابی از مدل پیشنهادی نیاز به مراحل زیر است:

۱- ایجاد نظام اطلاعات مدیریت، فناوری ارتباطات و اطلاعات و فناوری اطلاعات به منظور جمع آوری کلیه گزارش‌های حاصل از آینده‌پژوهی و انتشار و ارسال نتایج آینده‌پژوهی به مناطق دانشگاه آزاد اسلامی.

۲- دریافت بازخورد از واحدهای دانشگاهی و اعمال اصلاحات پیشنهادی.

۳- مدل پیشنهادی حداکثر ۳ سال مورد ارزیابی قرار گرفته باشد که پس از این مدت مهندسی مجدد با توجه به تحولات آموزش عالی در سطح ملی و بین‌المللی انجام بگیرد. سرانجام اعتبار (درجه تناسب) مدل پیشنهادی در سطح نمونه آماری رؤسای دانشگاهها، معاونان، مدیران گروه و اعضای هیأت علمی با ۸۷/۲۵ درصد تأیید و نهایی گردید.

بحث و تفسیر مدل

● داده‌های توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد که کل مدل با میانگین ۸۷/۲۵ درصد مناسب تشخیص داده شده است. با وجود این باید اذعان کرد که در بین مؤلفه‌های مطروحه بیشترین میانگین نمرات مربوط به مراحل اجرایی و نظام ارزیابی و مهندسی مجدد بوده است. ضمن آنکه سایر مؤلفه‌ها نیز امتیازی کمتر از ۸۶ کسب نکرده‌اند.

● در بین گروههای نمونه مدیران گروه بیشترین امتیاز را برای کلیه مؤلفه‌های مدل قابل بوده‌اند و این نشان می‌دهد که مدیران گروه برای مقوله آینده‌پژوهی اهمیت و جایگاه بالایی قابل هستند. در ضمن از نظر سایر گروهها تفاوتی در اینجا دیده نمی‌شود.

● میانگین زیرآزمون‌های مختلف در بین چهار گروه؛ ۸۷/۲۵ درصد به گزینه مناسب و ۳/۷۴ درصد به گزینه نامناسب پاسخ داده‌اند که نشان می‌دهد چهار گروه امتیاز بالایی به زیرآزمون‌ها داده‌اند و مدل پیشنهادی را مناسب در نظر گرفته‌اند.

● در بین گروههای نمونه مدیران گروه برای فلسفه مدل بیشترین امتیاز (۹۳/۹۸ درصد) و رؤسای دانشگاه کمترین امتیاز (۷۷/۲۸ درصد) را قابل شده‌اند که نشان می‌دهد مدیران گروه به فلسفه مدل اهمیت بیشتری داده‌اند.

- در بین گروه‌های نمونه معاونان دانشگاه برای اهداف مدل بیشترین امتیاز (۹۲/۳۵ درصد) و رؤسای دانشگاه‌ها کمترین امتیاز (۷۹/۸۶ درصد) را قایل شده‌اند که نشان می‌دهد معاونان دانشگاه به اهداف مدل اهمیت بیشتری داده‌اند.
- در بین گروه‌های نمونه مدیران گروه برای مبانی نظری بیشترین امتیاز (۸۹/۰۶ درصد) و اعضای هیأت علمی کمترین امتیاز (۷۴/۶۵ درصد) را قایل شده‌اند که نشان می‌دهد مدیران گروه به مبانی نظری که پایه تئوریک مدل پیشنهادی است اهمیت بیشتری داده‌اند.
- در بین گروه‌های نمونه مدیران گروه بیشترین امتیاز (۹۴/۵۴ درصد) را به مراحل اجرایی و اعضای هیأت علمی کمترین امتیاز (۸۵/۸۹ درصد) را داده‌اند که نشان می‌دهد، مدیران گروه به مراحل اجرایی اهمیت بیشتری داده‌اند.
- در بین گروه‌های نمونه معاونان دانشگاه بیشترین امتیاز (۹۴/۵۶ درصد) را برای نظام ارزیابی و مهندسی مجدد و اعضای هیأت علمی کمترین امتیاز (۸۲/۳۸ درصد) را قایل شده‌اند که نشان می‌دهد معاونان دانشگاه به نظام ارزیابی و مهندسی مجدد اهمیت بیشتری داده‌اند.
- بین زیرآزمون‌ها همبستگی مثبت و بالا وجود دارد که نشان می‌دهد تمامی زیرآزمون‌ها همدیگر را تأیید می‌کنند.
- در بین زیرآزمون‌ها مبانی نظری با مراحل اجرایی و مراحل اجرایی با نظام ارزیابی و مهندسی مجدد با بیشترین همبستگی (۰/۹۶) همدیگر را تأیید می‌کنند. ضمن آنکه سایر زیرآزمون‌ها همبستگی کمتر از ۰/۹۱ را کسب نکرده‌اند.
- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رؤسای دانشگاه، معاونان، مدیران گروه و اعضای هیأت علمی تمام وقت در ارتباط با برنامه‌های درازمدت، خلق محیط‌های جدید و نهادینه کردن آینده‌پژوهی نگرش مثبت دارند و بسترسازی آن را در آموزش عالی کشور ضروری می‌دانند.
- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدل آینده‌پژوهی باید پاسخگوی نیازهای جامعه و در صدد توسعه پایدار با اتکای بر مشارکت مردمی باشد، لذا دانشگاه آزاد اسلامی باید برای شناخت نیازهای جامعه و توسعه پایدار تلاش کند.
- یافته‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به اهداف آینده‌پژوهی در دانشگاه شناسایی

روند گذشته تاکنون ضروری است و باید بر مبنای آن اهداف آینده و خط سیر نیل به آنها تعیین و تبیین گردد.

● یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دفتر مطالعات آینده‌پژوهی و تشکیل مجمع منابع انسانی در زمینه آینده‌پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی امری الزامی است. لذا برای پیشبرد اهداف آموزش عالی شکل‌گیری این مجمع لازم و ضروری به حساب می‌آید.

● یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دانشگاه آزاد اسلامی باید برنامه‌های تدوین شده را با برنامه‌های آینده دانشگاه منطبق کند تا عدم قطعیت ناشی از رویدادهای آینده را در برابر هزینه‌های صرف شده به حداقل برساند.

● یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که برگزاری کارگاههای آموزشی، سمینارها، گردهمایی‌ها، همایش‌ها و چاپ نشریات مختلف برای آشنایی مدیران و اعضای هیأت علمی به امر آینده‌پژوهی ضروری است تا جایگاه آن در دانشگاه آزاد اسلامی شفاف و نهادینه گردد.

نتیجه‌گیری

نتایج کلی پژوهش با عنایت به اهداف پژوهش براساس اجرای پرسشنامه پژوهشگر ساخته در نمونه آماری رؤسای دانشگاهها، معاونان، مدیران گروه و اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی کشور ($N = 407$) اهم نتایج زیر استخراج شد.

۱- پدیده آینده‌پژوهی بسیار فرابپیچیده و کالبد شکافی آن نیازمند تکنیک و تاکتیک‌های کمی و کیفی دقیق است.

۲- مؤلفه‌های اصلی آینده‌پژوهی که کشف جریانات گذشته، آماده‌سازی و آموزش برای آینده، اعتقاد به فرایند آینده‌پژوهی، پاسخگویی به نیازهای جامعه، استفاده از تجارب و ظرفیت‌های موجود، حمایت از برنامه‌های بلندمدت، دیدی روشن از فرصتها و چالش‌های آینده و تضمین کیفیت است تعیین و در نظر گرفته شده است.

۳- مدل تأیید شده مشتمل بر ۴ قسمت اساسی شامل: فلسفه و اهداف مدل، مبانی نظری، مراحل اجرایی، نظام ارزیابی و مهندسی مجدد در نظر گرفته شده است.

۴- اعتبار پیش‌نویس با ضریب آلفای کرونباخ $0/80$ محاسبه شد.

طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده پژوهی در ... / ۱۹

- ۵- ضریب همبستگی بین زیرآزمون‌ها بیشترین ۰/۹۶ و کمترین ۰/۹۱ تعیین گردید.
- ۶- درجه تناسب مدل با توافق بالا بین نظرات نمونه آماری (متخصصان آموزش عالی) ۸۷/۲۵ درصد تعیین گردید.
- ۷- کاربست مدل در حد ۹۰ درصد توصیف گردید که جای اصلاح و تکمیل دارد.

پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی

- ۱- باور، اعتقاد و جایگاه آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی شفاف و نهادینه گردد.
- برای این کار می‌توان از کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، گردهمایی‌ها، نشریات و دیگر رسانه‌ها سود جست.
- ۲- به منظور آماده‌سازی و ایجاد امکانات لازم در زمینه آینده پژوهی بسترسازی فرهنگی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی به طور رسمی به عمل آید و دانشگاه‌ها به تجهیزات فناوری، پایگاه‌های اطلاعاتی و امکانات مالی کافی مجهز شوند.
- ۳- برای به دست آوردن روایی و اعتبار بالاتر در خصوص مدل، حجم وسیعتری از نمونه آماری دانشگاه آزاد اسلامی و آموزش عالی کشور مورد مطالعه قرار گیرد.
- ۴- پیشنهاد می‌شود با توجه به تأیید مدل از طرف نمونه آماری، دفتر مطالعات آینده پژوهی در دانشگاه آزاد اسلامی مستقر گردد و برای آینده پژوهی دانشگاه‌ها به سیاست‌گذاری، طراحی، برنامه‌ریزی، هدایت و راهنمایی پردازند.
- ۵- مدل تأیید شده مجدداً به رؤیت متخصصان مدیریت آموزشی و آموزش عالی و برنامه‌ریزان استراتژیک رسیده و با استفاده از فن دلفی به غنای مدل پردازند.
- ۶- با توجه به اجرای این پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی توصیه می‌شود در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اجرا گردد تا موارد دیگری در ارتباط با مدل به دست آید.
- ۷- پیشنهاد می‌شود ابتدا با طیف وسیعتر امکان‌سنجی صورت گیرد و مجدداً پژوهش مشابهی در دانشگاه آزاد اسلامی انجام شود.
- ۸- پیشنهاد می‌شود به جای یک مدل، چند مدل تدوین گردد تا اعضای نمونه آماری قدرت انتخاب و مشارکت بیشتر داشته باشند.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۲)، «آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاهها را تغییر می‌دهد؟» فصلنامه رهیافت، شماره ۲۹.
- ازگل، محمد. (۱۳۸۱)، «رهبری بصیر یا مدیریت آینده‌نگر»، نشریه پژوهشی، اطلاع‌رسانی پیام مدیران، انتشارات صدا و سیما، شماره ۱۱ و ۱۲.
- اکرمی، موسی. (۱۳۷۶)، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری»، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶.
- بورروکبال، الفونسو. «سیر تحولی دانشگاه به منزله یک نهاد»، ترجمه فاضل لاریجانی، (۱۳۷۹)، فصلنامه رهیافت، شماره ۲۳.
- پایا، علی. (۱۳۷۹)، «آینده دانشگاه و دانشگاه آینده»، فصلنامه رهیافت، شماره ۲۳.
- پیام مدیریت موفق (۱۳۸۲)، «چشم‌انداز، دنیای آینده نریدبخش امید یا عامل هراس»، مجله پیام مدیریت موفق، شماره ۲۵.
- تقوی گیلانی، مهرداد. محمدباقر غفرانی، (۱۳۷۹)، «مطالعات و روشهای آینده‌شناسی»، فصلنامه رهیافت، شماره ۲۲.
- رشید کابلی، مجید. (۱۳۸۲)، «ساختار مؤسسه‌های آموزش عالی در هزاره سوم» ماهنامه توسعه مدیریت، شماره ۴۹.
- شریفی، حسن‌پاشا. نسترن شریفی، (۱۳۸۰)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات سخن.
- صالح‌پور، محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات آینده‌پژوهی، تهران، انتشارات دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت آموزش و پرورش.
- قورچیان، نادرقلی. عباس خورشیدی، (۱۳۷۹)، شاخص‌های عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی، تهران، انتشارات فراشناختی اندیشه، چاپ آزاد.
- ماسینی‌النورا، باربری. «مطالعات آینده و گرایش‌هایی به سوی وحدت و تنوع»، ترجمه م. محب‌حسینی، (۱۳۷۶)، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶.
- مردودخی، بازید. (۱۳۷۵)، «ویژه‌نامه آینده‌پژوهی و آینده‌نگری» مجله برنامه و بودجه، ضمیمه شماره ۱۱.

طراحی یک مدل برای نهادینه کردن آینده پژوهی در ... / ۲۱

مکنون، رضا. (۱۳۷۶)، «نگرش نظام یافته برای طراحی ایران ۱۴۰۰»، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۶.

هیرش، ورنرزد. لوکای وبر، چالش‌های قراروی آموزش عالی در هزاره سوم، ترجمه رضا یوسفیان، (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

BARNALD, RONALD, (2001). *Supercomplexity and the curriculum*, higher Education Abstracts, Vol. 36, No. 1.

ENGELKEMEYER, SUSAN (2003). *Developing theory of Change*. [http:// WWW.aahe.org/specialreports/part3.htm](http://WWW.aahe.org/specialreports/part3.htm).

GARRETT, MARTHA J (1991). *Looking at the future: Lessons Learned from 21 st century Studies*. Chapter 1. Institution for 21 st century studies.

GINKEL, HANSWAN, H.V. (1995). *University 2050 the organization of creativity and innovation higher Education policy*. Vol. 8, No 4.

GODEL M. (1996). *Manuel de Prospective strategique: Une indisciplin Intellectuelle*, Paris: Dunot, P-6.

MALASKA, PENTTI (1995). *The Futures field of research*. Futures Research quarterly. Vol. 11.

MALASKA, PENTTI and HOLSTIUS, KARIN (1999). *Visionary management*. Foresight. Vol. 1.

MALASKA, PENTTI (2000). *A Futures research outline of a Post-Modern Idea of Progress*, Futures (Forthcoming).

MALASKA, PENTTI (2003). *Knowledge and information in futurology*. Finland futures research centre, turkey school of Economics and business.

MOSBY (1995). *Allied health and nursing dirctionary*. USA. Sa.t lous, Mosby co.

SHATTOCK, M. (1995). *The university of the Future; Higher Education Management*, Vol. 7.

SLAUGHTER, RICHARD. (1996). *New Thinking for a New Millennium J, Dator*, Chapter 4: *Futures Studies as applied Knowledge*, New York and London: Routledge.

THELIN, JOHN R, (2001). *Campus and community: A world turned inside out?*
The Review of Higher Education, Vol. 25, No.1.

TURCHIN, JOSLYN (1997). *Metasystem transition theory*. [http://
WWW.PesPmcl.vub.ac.be/mstt.html](http://WWW.PesPmcl.vub.ac.be/mstt.html).

وصول: ۸۲/۱۲/۱۴
پذیرش: ۸۳/۳/۲۳

